اخباروگزارش های کارگری 30 آبان ماه 1405

- ادامه اعتراضات درشهرستان آبدانان با تجمع در شهر مورموری وبازداشت یک جوان معترض

- تجمع اعتراضی جمعی ازجوانان متقاضی کار بابکان نسبت به تبعیض استخدامی مقابل فرمانداری گچساران

- کارکنان هیئت حل اختلاف اداره کارخوزستان پیامک بیمه ما 17 میلیون و 500 هزار تومان دریافت می کنند اما با 15 یا 20 سال سابقه کار کمتر از 15میلیون تومان حقوق می گیرند

- تجمع اعتراضی شماری از فعالان و دوستداران محیطزیست نسبت به فعالیت مخرب معدنی در ذخیره‌گاه زیست‌کره ارژن و پریشان مقابل معدن گچ تنگ‌حنای گاوکشک

- تجمع اعتراضی نانوایان مقابل استانداری خوزستان با شعار «وعده وعید کافیه سفره ما خالیه»

- تجمع اعتراضی رانندگان بیرون شهری زابل نسبت به صف های طولانی و انتظار چند روزه برای دریافت گازوئیل در جایگاه رضوان مقابل فرمانداری

- تجمع اعتراضی حواله‌داران سایپا مقابل کاخ دادگستری در تهران

- اعتراض دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس نسبت به وضعیت اسف‌بار تغذیه با تحریم غذا،بصف کردن سینی ها وتجمع مقابل سلف سرویس

- بیانیه مشترک شوراهای صنفی دانشگاه‌های کشور در محکومیت برخوردهای انضباطی با نمایندگان شوراهای صنفی دانشجویان

- خودکشی شادی خیری، دانشجوی کارشناسی مهندسی شیمی دانشگاه شریف

- کانون نویسندگان ایران:

احضارها و تهدیدهای امنیتی در آستانه‌ی سالگرد قتل‌های سیاسی آذر ۱۳۷۷

- سپیده قلیان صدای روایت های خشونت علیه زنان در زندانها

- غلامحسین ساعدی؛ نویسنده‌ای که رنج انسان را به زبان ادبیات بدل کرد

به مناسبت چهل‌ویکمین سالگرد درگذشت غلامحسین ساعدی (گوهر مراد)

- ثبت ۴۷۰ مورد حمله علیه روزنامه‌نگاران در کلمبیا طی سال ۲۰۲۵

- اعتصاب 24 ساعته بیش از 150 هزار کارگر صنایع فلز و برق آلمان، از جمله کارگران BMW، Bosch و Audi، برای افزایش 5 درصدی دستمزد و تضمین امنیت شغلی

- اعتراض فعالان محیطزیست در نشست پایانی اجلاس COP31 آنتالیا به حذف سوخت‌های فسیلی از پیش‌نویس توافق اقلیمی؛ خروج یک معترض از سالن اجلاس

- اعتصاب و راهپیمایی بیش از 40 هزار دانش‌آموز، کارآموز و دانشجو در هشت شهر سوئیس علیه نظامی‌سازی و سیاست ریاضت اقتصادی؛ دفاع از بودجه آموزش، خدمات عمومی و آینده نسل جوان

- اعتصاب و تجمع دانش‌آموزان و دانشجویان در هفت شهر بلژیک علیه نظامی‌سازی، افزایش هزینه‌های نظامی و خدمت سربازی؛ دفاع از بودجه آموزش و رفاه اجتماعی

- ششمین شنبه متوالی اعتراض‌ها در فرانسه؛ راهپیمایی جلیقه‌زردها، اتحادیه‌ها و دانشجویان برای افزایش دستمزد، مسکن ارزان و بهبود خدمات عمومی

- تظاهرات هزاران کارگر پرتغال در لیسبون برای افزایش دستمزد و مستمری بازنشستگان، کنترل قیمت‌ها و تأمین مسکن و خدمات عمومی

- تظاهرات چند هزار نفره در بارسلون برای افزایش بودجه آموزش عمومی، بهبود شرایط معلمان و تأمین مسکن قابل‌دسترس

- راهپیمایی خانواده‌ها و فعالان اجتماعی در مادرید برای اجرای عدالت درباره مرگ7291سالمند در خانه‌های سالمندان و پایان خصوصی‌سازی مراکز نگهداری

- مرگ ومصدومیت 4 کارگر شهرداری انار در حادثه واژگونی خودرو

- جان باختن یک کارگربدون بیمه و مصدومیت کودک 13 ساله اش در بندرگزبراثر تصادف

****

***ادامه اعتراضات درشهرستان آبدانان با تجمع در شهر مورموری وبازداشت یک جوان معترض**

گزارش های رسانه ای شده بتاریخ 30 آبان،از ادامه اعتراضات درشهرستان آبدانان با تجمع عصرجمعه 29 آبان در شهر مورموری وبازداشت یک جوان معترض بنام حیدرملایی،خبرمی دهند.

***تجمع اعتراضی جمعی ازجوانان متقاضی کار بابکان نسبت به تبعیض استخدامی مقابل فرمانداری گچساران**

روز شنبه 30 آبان، جمعی ازجوانان متقاضی کارمنطقه بابکان برای اعتراض به تبعیض استخدامی در پالایشگاه نفت و سایر کارخانه‌ها و ادارات گچساران مقابل فرمانداری این شهرستان دراستان کهگیلویه و بویراحمدتجمع کردند.



***کارکنان هیئت حل اختلاف اداره کارخوزستان پیامک بیمه ما 17 میلیون و 500 هزار تومان دریافت می کنند اما با 15 یا 20 سال سابقه کار کمتر از 15میلیون تومان حقوق می گیرند**

روز شنبه 30 آبان،کارکنان شورای حل اختلاف خوزستان، از ناچیز بودن حقوق خود انتقاد کردند و به خبرنگار رسانه ای گفتند: پیگیری‌های ما به جایی نرسیده است.

آنها گفتند: حدود چهار ماه است که حقوق ما کاهش یافته؛ حقوقی که قبل از عید هفده میلیون وهیجده میلیون بوده، حالا دوازده میلیون تومان است؛ حتی بعضی همکاران 3 یا 4 میلیون تومان حقوق گرفتند؛ این در حالیست که بسیاری از ما 15 یا 20 سال سابقه کار داریم.

یکی از آنها که سال‌ها سابقه کار دارد، با بیان اینکه حتی حداقل اداره کار را به نیروهای حل اختلاف نمی‌دهند؛ گفت: پیامک بیمه ما 17 میلیون و 500هزار تومان است اما دریافتی واقعی همکاران ما از این رقم هم کمتر است.

او افزود: در این شرایط بد اقتصادی، نه تنها افزایش حقوق نداشتیم بلکه از حقوق ما کسر شده است. مشکلات معیشتی ما در سال جدید تشدید شده است.

یکی دیگر از آنها در ارتباط با شرایط کاری خود و همکارانش گفت: ما از ساعت هشت تا یک ظهر سرکاریم دقیقاً مثل همه ادارات؛ اما دریافتی ما نصف حقوق کارمندان دولت است.

وی ادامه داد: من به خاطر کارم دیسک کمر و گردن گرفتم اما برای هیچ کس مهم نیست که ما در چه شرایطی کار می‌کنیم؛ بیست سال از عمر ما در حل اختلاف تباه شد و حالا در میانسالی شرمنده خانواده هستیم.

***تجمع اعتراضی شماری از فعالان و دوستداران محیطزیست نسبت به فعالیت مخرب معدنی در ذخیره‌گاه زیست‌کره ارژن و پریشان مقابل معدن گچ تنگ‌حنای گاوکشک**

بیش از 25 نفر از فعالان و دوستداران محیطزیست مقابل ورودی معدن گچ تنگ‌حنا واقع در محدوده روستای گاوکشک، از توابع شهرستان کازرون در استان فارس جمع شده‌اند. آن‌ها با پلاکاردهایی در دست، مخالفت خود را با ادامه فعالیت این معدن نشان می‌دهند و خواستار تعطیلی آن هستند. روی موانع بتنی کنار جاده نیز عبارت‌های «ورود ممنوع» و «ورود به کارگاه ممنوع» دیده می‌شود. این تجمع تازه‌ترین حلقه از اعتراض‌هایی است که سال‌هاست بر سر فعالیت‌های معدنی در این منطقه ادامه دارد. وضعیت مجوز این معدن، پیامدهای محیطزیستی آن و نحوه ادامه فعالیتش همچنان محل اختلاف است.

کبک‌ها دوباره به اطراف باغ‌ها برگشته‌اند، گرازها شب‌ها نزدیک روستا دیده می‌شوند و بعضی از اهالی برای حیات‌وحش آب می‌گذارند. این تصویر امیدوارکننده رایک فعال محیطزیست منطقه ارژن و پریشان،روزپنج شنبه 29 آبان درگفتگو با خبرنگار رسانه ای روایت می‌کند. اما در فاصله‌ای نه‌چندان دور، معدن گچ تنگ‌حنا همچنان یکی از نگرانی‌های اصلی دوستداران طبیعت است. به گفته او، گردوغبار کارخانه به‌سمت باغ‌های انار می‌رود و فعالیت معدن پوشش گیاهی و زیستگاه منطقه را تحت فشار قرار داده است.

گاوکشک در محدوده «دشت برم»، میان کازرون و شیراز، قرار دارد. جنگل‌های بلوط، باغ‌های انار و زیستگاه‌های طبیعی این پهنه بخشی از ارزش‌های محیطزیستی ارژن و پریشان را تشکیل می‌دهند.

اعتراض به فعالیت معدن در محدوده گاوکشک موضوع تازه‌ای نیست. گزارش‌های رسانه‌ای منتشرشده از سال 1390 نشان می‌دهند نگرانی درباره تردد کامیون‌ها در مسیر جنگلی، برداشت از بستر «رودخانه فصلی حنا» و نشستن گردوغبار روی درختان بلوط دست‌کم از آن زمان مطرح بوده است.

به گفته وی، فعالیت جدید دو محدوده معدنی «دره اَنگِر» و تنگ‌حنا از دهه 1380آغاز شد. اعتراض‌های اهالی و فعالان محیطزیست در ادامه به گرفتن تعهد محضری از بهره‌برداران در سال 1391 انجامید. براساس این تعهد، قرار بود بهره‌برداران سه سال دیگر فعالیت کنند و پس از پایان اعتبار پروانه در تیر 1394، مجوزها را تحویل دهند.

اما به گفته او، این تعهد اجرا نشد. برای معدن تنگ‌حنا در سال 1397 پروانه بهره‌برداری پنج‌ساله صادر شد. اعتبار این مجوز تا پایان اسفند 1402 تعیین شده بود. بااین‌حال، اختلاف بر سر ادامه فعالیت معدن به سال‌های بعد کشیده شد.

اداره‌کل صمت فارس در 19 تیر 1404 دستور توقف فعالیت معدن را صادر کرد. بااین‌حال، «شورای تأمین شهرستان کازرون» در جلسه 25 شهریور همان سال، با استناد به بیکارشدن 80 کارگر، با ادامه فعالیت معدن به‌مدت شش ماه موافقت کرد. این تصمیم در شرایطی گرفته شد که صمت پیش‌تر از ابطال پروانه بهره‌برداری خبر داده بود. مهلت شش‌ماهه این مصوبه حدود25 اسفند 1404 به پایان رسید و معدن همچنان تعطیل نشده است.

وی تعداد شاغلان مستقیم معدن را حدود 10 نفر و کارکنان کارخانه را کمتر از 10 نفر می‌داند. به گفته او، حتی با احتساب رانندگان و نیروهای خدماتی، مجموع اشتغال مستقیم و وابسته از حدود 30 نفر بیشتر نمی‌شود.

***تجمع اعتراضی نانوایان مقابل استانداری خوزستان با شعار «وعده وعید کافیه سفره ما خالیه»**

روز شنبه 30 آبان،فیلمی از تجمع اعتراضی روز پنج28 آبان، نانوایان مقابل استانداری خوزستان با شعار «وعده وعید کافیه سفره ما خالیه»،درشبکه های اجتماعی منتشرشد.

***تجمع اعتراضی رانندگان بیرون شهری زابل نسبت به صف های طولانی و انتظار چند روزه برای دریافت گازوئیل در جایگاه رضوان مقابل فرمانداری**

روزشنبه 30 آبان ماه، رانندگان بیرون شهری زابل برای اعتراض به صف های طولانی و انتظار چند روزه برای دریافت گازوئیل در جایگاه رضوان مقابل فرمانداری این شهرستان دراستان سیستان وبلوچستان تجمع کردند.





***تجمع اعتراضی حواله‌داران سایپا مقابل کاخ دادگستری در تهران**

روز شنبه 30 آبان،جمعی از حواله‌داران سایپا درادامه اعتراضشان نسبت به بلاتکلیفی وعدم تحویل خودرو های خریداری شده مقابل کاخ دادگستری در تهران تجمع کردند.

برپایه فیلم های منتشره تجمع کنندگان می‌گویند بهای خودرو را در آذر 1404 به‌طور کامل پرداخت کرده‌اند و با وجود وعده تحویل 90 روزه، هنوز خودروی خود را نگرفته‌اند.

***اعتراض دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس نسبت به وضعیت اسف‌بار تغذیه با تحریم غذا،بصف کردن سینی ها وتجمع مقابل سلف سرویس**

روز شنبه 30 آبان، دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس با تحریم غذا،بصف کردن سینی ها وتجمع مقابل سلف سرویس به فراخوان از پیش داده شده برای اعتراض به وضعیت اسف‌بار تغذیه +پاسخ مثبت دادند.

درهمین رابطه:

/مطالبه‌گری به‌حق دانشجویان تربیت مدرس؛

اول به نوبه خودم بعنوان یه عضو کوچیک از جامعه دانشجویی از همتون بخاطر حضور مفیدتون تشکر می‌کنم.

این جمعیت بیش از ۳۰۰ نفر بود.

درسی باشه برای مسئولین کم‌کاری که دانشجو رو به هیچ گرفتن!

نفهمیدیم چرا دکتر حجت رنجید! گفتیم بیاد بهش بگیم مشکلمونو، نیومد، شعار دادیم بیا پایین. ناراحتی نداشت.

آقای احمد واعظی کمیت، کیفیت و تنوع غذای سلف مرکزی رو بهمون برگردون.

ما حاظر به پر کردن جیب امثال تو نیستیم.

اگه نمیتونی "برو آنجا که تو را منتظرند" روابط عمومی بخش رسانه و برندینگ مشغول بکار شو.

یه سالامی هم بکنیم به اون دادا/ آجی که 135000 تومن داد و غذاشو گذاشت روی زمین! (واعظی برای تو نشانه‌هایی در این است اگر اهل تفکر باشی)

/خواستم تشکر کنم از همه بچه هایی ک امروز اومدن و با حضورشون قوت قلب دادن به همدیگه

مرسی که بودید و اینقدر خوب صحبت کردید

درود بر تک تک تون

شما ها نورید

و خطاب ب کسایی که دیدن و راحت گذشتن و نشستن غذا خوردن

شما ها عادت کردید به این که بقیه برن حق تون رو بگیرن سر شما ها هر بلایی میاد حق تونه

یه عده تون ک فقط لب و دهنید

فقط حرف زدید! دیدم اومدید ی گوشه فقط نگاه کردید و هیچی نگفتید و هیچ جا حضور نداشتید. شما ها از قبلی ها هم بدترید.

از شورا صنفی هم یک نفر کلا بود خواستم به بقیه تون(شورا) بگم بچه ها امروز حسابی حواسشون بهتون بود بار ها ازتون حمایت کردن و گفتن چطور تهدید شدید و خواستن این موضوع رو پیگیری کنن و پیام های تهدید امیز واعظی رو برای حراست فرستادن و حتی رئیس حراست پشت تون درومد و گفت واعظی غلط کرده کسیو تهدید کنه!

ی عده هم ک همش جو میدادین ک دیدید هیچ کس نیومد اعتراض تون همیشه همینقدر کمههههه

خواستم بهت بگم زاااارت

بشین بخور حالا

در کل دمه همه اونایی ک اومدن گرم مخصوصا ورودی جدیدا عاااالی بودید.

برگرفته از کانال توییتر دانشجویان تربیت مدرس

+فراخوان دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس برای اعتراض به وضعیت اسف‌بار تغذیه دانشگاه

با سینی‌های خالی، صدای اعتراضمان را بلند کنیم!

سلام به همه عزیزان و هم‌دانشگاهی‌های گرامی،

همان‌طور که همه در جریان هستید، وضعیت تغذیه دانشگاه روزبه‌روز بدتر می‌شود!

از صبحانه‌ای که نزدیک به دو ماه است خبری از آن نیست، تا غذاهایی که به بهانه‌های مختلف از برنامه غذایی حذف شده‌اند و حالا به شکل مکمل و با هزینه بیشتر به دانشجویان عرضه می‌شوند؛ در کنار کیفیت نامطلوب غذاهایی که حتی وضعیت و سرنوشتشان هم مشخص نیست!

تا کی قرار است دانشجو هزینه بیشتری بپردازد، اما خدمات کمتری دریافت کند؟

این وضعیت دیگر قابل قبول نیست و سکوت در برابر آن چیزی را تغییر نخواهد داد.

وقت آن رسیده که صدای اعتراضمان را یک‌صدا به گوش مسئولان برسانیم.

به همین دلیل از تمام دانشجویان دعوت می‌کنیم روز شنبه ۳۰ آبان‌ماه با همراه داشتن سینی غذا، در یک اعتراض جمعی و مسالمت‌آمیز شرکت کنیم و از مقابل سلف پسران تا ساختمان مرکزی، اعتراض خودمان را نسبت به وضعیت نابسامان تغذیه دانشگاه اعلام کنیم.

قرار ما: شنبه ۳۰ آبان‌ماه

ساعت ۱۲ ظهر

مقابل سلف مرکزی

حضور تک‌تک ما اهمیت دارد. این مطالبه، مطالبه یک گروه یا یک دانشکده نیست؛ مسئله همه دانشجویان است.

با سینی‌های خالی، صدای اعتراضمان را بلند کنیم!

منتظر حضور پرشور همه شما هستیم.

***بیانیه مشترک شوراهای صنفی دانشگاه‌های کشور در محکومیت برخوردهای انضباطی با نمایندگان شوراهای صنفی دانشجویان**

اتفاقاتی که طی ماه‌های اخیر در دانشگاه‌های مختلف کشور برای شوراهای صنفی دانشجویان افتاده است، از سطح اختلافات موردی یا مسائل و پیچیدگی های اداری فراتر رفته است. تشکیل پرونده‌های انضباطی، طرح اتهامات واهی، ایجاد وقفه در روند تحصیل، محرومیت از خدمات رفاهی، اعمال فشار بر اعضای شوراها و صدور احکام سنگینی همچون «محرومیت از تحصیل» و اخراج خارج از فرآیند قانونی، همگی نشان دهنده روندی است که مستقیماً جایگاه نمایندگی دانشجویان و حق قانونی آن‌ها برای پیگیری مطالبات صنفی را هدف قرار داده است.

شوراهای صنفی با رأی و اعتماد دانشجویان شکل گرفته‌اند و مشروعیت خود را از همین جایگاه می‌گیرند. هیچ مقام دانشگاهی و هیچ نهاد اجرایی نمی‌تواند از شوراها انتظار سکوت در برابر تضییع حقوق دانشجویان داشته باشد و همزمان، مطالبه‌گری و نقد عملکرد مسئولان را دستاویز برخورد با نمایندگان آن‌ها کند. تبدیل فعالیت صنفی و اعتراض به مسائل دانشگاهی به اتهامات انضباطی، طرح اتهامات بی‌اساس و صدور احکام محکوم‌کننده، رویه‌ای است که در برابر آن سکوت نخواهیم کرد.

در این میان، صدور و ابلاغ حکم چهار ترم محرومیت از تحصیل برای پژمان نصیری، دبیر پیشین شورای صنفی دانشجویان دانشگاه هنر ایران، نمونه‌ای روشن از برخورد با نمایندگانی است که در جایگاه صنفی خود به بیان اعتراض و پیگیری مطالبات دانشجویان پرداخته‌اند. این برخوردها به دانشگاه هنر ایران یا دانشگاه‌های تهران محدود نمانده و مطابق پیگیری‌های انجام‌شده از دانشگاه‌های مختلف کشور، گزارش‌های متعددی از تشکیل پرونده و اعمال فشار بر اعضای شوراهای صنفی وجود دارد.

بر همین اساس، ما دبیران و اعضای شوراهای صنفی دانشجویی دانشگاه‌های کشور، برخوردهای خارج از چارچوب قانون، پرونده‌سازی‌های بی‌اساس و استفاده از سازوکارهای انضباطی و اداری برای محدود کردن فعالیت نمایندگان دانشجویان را به شدت محکوم می‌کنیم و مطالبات خود را صریحاً به شرح زیر اعلام می‌داریم:

۱ .لغو حکم چهار نیم‌سال محرومیت از تحصیل پژمان نصیری و بازنگری در پرونده‌های مشابه با رعایت اصول قانونی و منصفانه و حق دفاع از خود متناسب با اصول مندرج در فرآیندهای اداری و قانونی

۲ .توقف فوری برخوردهای قهری و تلافی‌جویانه، اعم از انضباطی و غیرانضباطی، با اعضای شوراهای صنفی به‌دلیل پیگیری مطالبات و حقوق دانشجویان

۳ .پایان دادن به فشارها و محدودیت‌های خارج از ضوابط قانونی و مقرراتی، از جمله محرومیت از خدمات رفاهی و ایجاد وقفه در روند تحصیل با هدف محدود کردن و سرکوب فعالیت‌های صنفی

۴ .تضمین استقلال و امنیت فعالیت شوراهای صنفی و به‌رسمیت‌شناختن حق نمایندگان دانشجویان برای طرح انتقاد، اعتراض به عملکرد مسئولان و پیگیری مطالبات، بدون تهدید و نگرانی از پیامدهای انضباطی

در پایان، ما دبیران شوراهای صنفی دانشگاه های کشور ضمن حمایت از پژمان نصیری، با صدایی قاطع اعلام می‌داریم که مسئولیت مستقیم صیانت از جایگاه شورای صنفی و جلوگیری از تداوم روند برخوردهای غیرقانونی با نمایندگان دانشجویان بر عهده مسئولان دانشگاه‌ها و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است و مسئولان نمی‌توانند از یک‌سو شوراهای صنفی را به مشارکت در امور دانشگاه دعوت کنند و از سوی دیگر، هنگام دفاع از حقوق دانشجویان و اعتراض به عملکرد آن‌ها، با پرونده‌سازی، تهدید و محرومیت پاسخ دهند.

از همین رو، در برابر تداوم این روند شوراهای صنفی دانشگاه‌های کشور سکوت نخواهند کرد و پیگیری جمعی این موضوع را تا حصول نتیجه ادامه خواهند داد.

شوراهای صنفی دانشجویان دانشگاه‌های:

دانشگاه تربیت مدرس/ دانشگاه الزهرا/ دانشگاه شهید بهشتی/ دانشگاه رازی کرمانشاه /دانشگاه نیشابور/ دانشگاه یاسوج/ دانشگاه شهرکرد/ دانشگاه خوارزمی/ دانشگاه بزرگمهر قائنات/ دانشگاه صنعتی اسفراین/دانشگاه هنر اصفهان/ دانشگاه آیت‌الله بروجردی/ دانشگاه صنعتی بیرجند/ دانشگاه لرستان/ دانشگاه بجنورد/ دانشگاه پردیس تربت جام/ دانشگاه کردستان /دانشگاه بناب/ دانشگاه بیرجند/ دانشگاه صنعتی همدان/ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین/ دانشگاه علامه طباطبایی/ دانشگاه علم و فناوری مازندران/ دانشگاه‌های تربیت دبیر شهید رجائی/ دانشگاه ملی مهارت مهاجر/ دانشگاه شهید مدنی آذربایجان/ دانشگاه جیرفت/ دانشگاه صنعتی کرمانشاه/ دانشگاه امیرکبیر/ دانشگاه صنعتی شریف/ دانشگاه علم و صنعت

***خودکشی شادی خیری، دانشجوی کارشناسی مهندسی شیمی دانشگاه شریف**

بنا بر گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، شادی خیری، دانشجوی ۲۲ ساله ترم آخر دانشگاه شریف، شب گذشته در خوابگاه دخترانه طرشت دانشگاه شریف خودکشی کرده است. او دانش‌آموخته دبیرستان فرزانگان شهرستان ملایر بود و در سال ۱۴۰۲ وارد مقطع کارشناسی مهندسی شیمی دانشگاه شریف شد.

با توجه به روایت‌ها، این دانشجو تحت فشارهای شدید روحی و روانی قرار داشت و روز گذشته به زندگی خود پایان داد.

شادی در کانال شخصی خود در واکنش به کشته‌شدن سوگند صیادی، دانش‌آموز ۱۶ ساله کرمانشاهی به دست پدرش نوشته بود: «چند زندگی دیگر باید قربانی شود تا بالاخره سکوت‌مان را بشکنیم؟ گاهی فاجعه فقط حاصل دست قاتل نیست؛ حاصل دهان‌های بسته و وجدان‌های خاموشی هم هست که سال‌ها تماشاگر بوده‌ایم«.

شاید گفته شود که خودکشی ریشه در مسئله‌ای شخصی داشته، اما آیا می‌توان رنج انسان‌ها، فرسودگی روانی و رسیدن به مرزهای فروپاشی را از بستر اجتماعی و سیاسی‌ای که در آن زندگی می‌کنند، جدا دانست؟ گویی انسان‌ها در خلأ زندگی می‌کنند و گویی اضطراب مزمن، ناامیدی، احساس بی‌آیندگی و فرسایش توان زیستن، هیچ نسبتی با خشونت‌های ساختاری، تبعیض، سرکوب و فشارهای مداومی ندارد که هر روز بر زندگی افراد تحمیل می‌شود. نمی‌توان از رنج فردی سخن گفت، اما زمینه‌های اجتماعی و سیاسیِ شکل‌گیری و تشدید آن را نادیده گرفت. نمی‌توان انسان‌ها را در دل مناسباتی فرساینده رها کرد و سپس رنج و فروپاشی آنان را صرفاً به مسئله‌ای شخصی فروکاست.

بی‌تردید مسئولیت این رنج‌ها متوجه پدرسالاری، مناسبات سلطه و ساختارهایی است که با تحمیل خشونت و سلب ابتدایی‌ترین امکان‌های زیستن، آدم‌ها را به مرزهای طاقت‌فرسای روانی می‌رسانند. با این همه، خودکشی نباید به تنها روایت ممکن از مواجهه با این وضعیت تبدیل شود. در برابر ساختارهایی که زندگی را دشوار و افق آینده را تیره می‌کنند، در برابر ساختار جمهوری اسلامی که بیش از هر چیز مرگ ما را می‌خواهد، ادامه دادن خود نوعی مقاومت است. در این میان مراقبت از یک‌دیگر امری حیاتی است تا شاید از رنج زیستن در این روزها اندکی کاسته شود. شاید امتناع از سکوت و ساخت پیوندهای عمیق‌تر همبستگی، اجازه ندهد آدم‌های بیشتری در تنهایی و بی‌پناهی از میان ما بروند و قربانی شرایطی شوند که جمهوری اسلامی بر زندگی‌مان تحمیل کرده است.

***کانون نویسندگان ایران:**

احضارها و تهدیدهای امنیتی در آستانه‌ی سالگرد قتل‌های سیاسی آذر ۱۳۷۷

پرستو فروهر، هنرمند و نویسنده، با انتشار متنی از احضار و تهدیدهای امنیتی در آستانه‌ی بیست‌وهشتمین سالگرد قتل سیاسی پروانه اسکندری و داریوش فروهر خبر داد.

به گفته‌ی او برخی از حاضران سالیان گذشته‌ی این مراسم طی تماس‌هایی احضار شده‌اند و برخی دیگر با تهدید از حضور در مراسم امسال منع شده‌اند.

در این متن آمده است: «این لشکرکشی پشت‌پرده تنها برای خاموش کردن یک ندای دادخواهانه؟ برای ممانعت از تجربه‌ی همبستگی در جمع ما؟ برای نیرو گرفتن ما از یکدیگر در این تنگنا؟ چه چیزها که ندیدیم!

این هم یکی از هزاران ترفند سرکوب‌گرانه‌ی آقایان است که تاکنون، طی سال‌ها، تجربه کرده‌ایم. اگر در گذشته محله را قرق می‌کردند و نرده می‌کشیدند و با ضرب‌وشتم راه می‌بستند، حالا با تهدید و

ارعاب و تماس‌ها و احضارهای فردی اعمال فشار می‌کنند؛ آدم‌ها را در تنهایی گیر می‌اندازند و در منگنه می‌گذارند. آن هم در این شرایط که هر یک از ما اندک نیروی خود را به‌حق باید صرف تاب‌آوری در مخمصه‌ی این دوران کند.«

پروانه اسکندری و داریوش فروهر یکم آذر ماه ۱۳۷۷ در جریان قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای کاردآجین شدند.

***سپیده قلیان صدای روایت های خشونت علیه زنان در زندانها**

سپیده قلیان زن شجاعی که به جرم روایت و انعکاس اعتراضات کارگران هفت تپه، سال‌های جوانی‌اش را میان زندان‌ها و بازداشتگاه‌های ایران گذرانده، اینک به جرم روایت گری و انعکاس دردها و خشونت ها بر زنان زندانی و

مستندسازی سرکوب معترضان دی‌ماه، مورد پیگرد و تهدید و ارعاب قرار دارد و خانواده سپیده نیز مورد خشونت قرار گرفتند و برادرش زندانی شد.

"ندای زنان ایران" به شجاعت و ایستادگی سپیده قلیان درود می فرستد و خشونت های قضایی_امنیتی علیه سپیده و خانواده قلیان را محکوم می کند.

از همه تشکلها و نهادهای مدافع حقوق انسان می خواهیم از سپیده قلیان و حق آزادی بیان و مستند سازی جنایتها و خشونتها در ایران دفاع کنند.

ما خواهان پایان دادن به هر گونه پرونده سازی و پیگرد قضایی علیه سپیده قلیان و خانواده وی هستیم .

مهدی قلیان آزاد باید گردد.

۳۰ آبان ۱۴۰۵

ندای زنان ایران

***غلامحسین ساعدی؛ نویسنده‌ای که رنج انسان را به زبان ادبیات بدل کرد**

به مناسبت چهل‌ویکمین سالگرد درگذشت غلامحسین ساعدی (گوهر مراد)

کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید

دوم آذرماه، یادآور خاموشی غلامحسین ساعدی، نویسنده، نمایشنامه‌نویس، پزشک، روشنفکر آزادی‌خواه و یکی از بنیان‌گذاران کانون نویسندگان ایران است؛ انسانی که زندگی کوتاه اما پربار خود را در پیوندی ناگسستنی با ادبیات، آزادی و رنج مردمان سرزمینش گذراند. چهل‌ویک سال از درگذشت او در تبعید می‌گذرد، اما جهان داستانی، اندیشهٔ انتقادی و تعهد انسانی‌اش همچنان در حافظهٔ ادبی و فرهنگی ایران زنده است .

ساعدی از آن دسته نویسندگانی نبود که ادبیات را پناهگاهی برای گریز از واقعیت‌های اجتماعی بدانند. برای او نوشتن، شیوه‌ای برای شناخت انسان، کشف ریشه‌های رنج و آشکار ساختن مناسباتی بود که ترس، فقر، جهل، بیگانگی و سرکوب را در زندگی فردی و جمعی بازتولید می‌کنند. او به انسان‌هایی صدا بخشید که در حاشیهٔ قدرت، ثروت و فرهنگ رسمی، کمتر دیده و شنیده می‌شدند.

غلامحسین ساعدی، با نام ادبی «گوهر مراد»، در سال ۱۳۱۴ در تبریز زاده شد. تحصیل در رشتهٔ پزشکی و سپس روان‌پزشکی، دریچه‌ای دیگر به شناخت پیچیدگی‌های روان انسان به روی او گشود. اما آنچه نگاه او را از محدودهٔ درمان فردی فراتر برد، دریافت پیوند میان رنج روانی و شرایط اجتماعی بود. او در مطب خود با بیماران و محرومان روبه‌رو می‌شد و در داستان‌ها و نمایشنامه‌هایش، همان انسان‌ها را در گسترهٔ مناسبات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بازمی‌آفرید.

ساعدی به‌درستی دریافته بود که بسیاری از هراس‌ها و آشفتگی‌های انسان را نمی‌توان جدا از محیط زندگی، فقر، مناسبات قدرت و ساختارهای سرکوبگر شناخت. از همین رو، در آثار او مرز میان واقعیت و کابوس، زندگی روزمره و وهم، و فرد و جامعه پیوسته درهم می‌آمیزد.

در «عزاداران بیل»، «ترس و لرز»، «واهمه‌های بی‌نام‌ونشان»، «گور و گهواره» و «شب‌نشینی باشکوه»، با جهانی روبه‌رو می‌شویم که در آن ترس، تنها احساسی فردی نیست، بلکه به نیرویی اجتماعی بدل می‌شود. شخصیت‌های ساعدی در برابر ناشناخته‌ها، فقر، خرافه، فروپاشی روابط انسانی و سلطهٔ نیروهایی قرار می‌گیرند که گاه منشأ آن‌ها را نمی‌شناسند، اما پیامدهایشان را با تمام وجود تحمل می‌کنند.

در نمایشنامه‌هایی چون «چوب‌به‌دست‌های ورزیل»، «آی باکلاه، آی بی‌کلاه» و «پرواربندان»، طنز تلخ، تمثیل و موقعیت‌های گاه هولناک، ابزارهایی برای افشای سازوکار ترس، فرمان‌برداری، فرصت‌طلبی و مناسبات سلطه می‌شوند. ساعدی با آفرینش چنین جهان‌هایی، به یکی از چهره‌های تأثیرگذار در تحول داستان‌نویسی و نمایشنامه‌نویسی معاصر ایران بدل شد.

اهمیت ادبی او تنها در انتخاب موضوع‌های اجتماعی خلاصه نمی‌شود. ساعدی با بهره‌گیری از زبان زندهٔ مردم، گفت‌وگوهای موجز، فضاهای وهم‌آلود و ساختارهای تمثیلی، شیوه‌ای ویژه در روایت آفرید. او توانست واقعیت‌های ملموس زندگی را با اضطراب‌های پنهان روان انسان پیوند دهد و از دل تجربه‌های بومی، آثاری با ظرفیت‌های گستردهٔ انسانی و اجتماعی پدید آورد.

پژوهش‌های میدانی و تک‌نگاری‌های او، از «ایلخچی» و «خیاو» تا «اهل هوا»، نیز نشان‌دهندهٔ کنجکاوی پایان‌ناپذیرش برای شناخت فرهنگ‌ها، زبان‌ها، باورها و شیوه‌های زندگی مردمان ایران بود. او به جای آنکه جامعه را تنها از منظر مرکز و فرهنگ رسمی بنگرد، به سراغ روستاها، حاشیه‌نشینان و مردمانی رفت که زندگی و فرهنگشان در روایت‌های مسلط کمتر بازتاب می‌یافت.

ساعدی، نویسنده‌ای برخاسته از آذربایجان، به زبان و فرهنگ مادری خود نیز تعلق خاطری عمیق داشت. تجربهٔ زیستن در جامعه‌ای چندزبانه و مواجهه با محدودیت‌های فرهنگی، بخشی از حساسیت او نسبت به مسئلهٔ زبان، هویت و آزادی بیان را شکل می‌داد. او با آنکه بخش عمدهٔ آثار خود را به زبان فارسی آفرید، هرگز از شناخت و تجربهٔ فرهنگی سرزمین مادری‌اش جدا نشد.

اما زندگی ساعدی تنها به آفرینش ادبی محدود نبود. او از همان سال‌های جوانی، آزادی اندیشه و بیان را ضرورتی بنیادی برای حیات فرهنگی جامعه می‌دانست. حضور فعالش در شکل‌گیری کانون نویسندگان ایران در سال ۱۳۴۷ و همراهی با نویسندگان و روشنفکرانی با گرایش‌های فکری گوناگون، بیانگر اعتقاد او به ضرورت تشکل مستقل اهل قلم بود.

ساعدی در مبارزه با سانسور، میان حکومت‌ها و قدرت‌های سیاسی تبعیضی قائل نبود. او در دوران حکومت پهلوی، با سانسور و سرکوب سیاسی مخالفت کرد و به سبب فعالیت‌هایش بازداشت و زندانی شد. شکنجه و فشارهای جسمی و روانی دوران زندان، آسیب‌هایی عمیق بر او بر جای گذاشت، اما نتوانست او را از نوشتن و اعتراض بازدارد.

پس از انقلاب ۱۳۵۷ نیز، هنگامی که امیدهای آزادی‌خواهانه جای خود را به گسترش محدودیت‌های سیاسی و فرهنگی داد، ساعدی در برابر سانسور و سرکوب حکومت تازه‌تأسیس جمهوری اسلامی ایستاد. او از جمله نویسندگانی بود که خطر بازتولید استبداد را در ساختاری تازه تشخیص دادند و حاضر نشدند استقلال اندیشه و قلم را قربانی مصلحت‌های سیاسی کنند.

سرانجام، فشارهای سیاسی و تهدیدهای امنیتی، او را در سال ۱۳۶۰ به ترک ناخواستهٔ ایران واداشت. تبعید برای ساعدی تنها دوری از جغرافیای وطن نبود؛ گسستی دردناک از زبان روزمره، مناسبات انسانی، خاطره‌ها و جهانی بود که سرچشمهٔ آفرینش ادبی او به شمار می‌رفت.

او در پاریس نیز از نوشتن بازنایستاد. انتشار دوبارهٔ نشریهٔ «الفبا»، نگارش داستان‌ها و نمایشنامه‌ها و ادامهٔ فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی، نشان‌دهندهٔ تلاش او برای حفظ پیوند با جامعه و زبان مادری بود.

بااین‌همه، زندگی در تبعید برای او با تنهایی، اندوه و فرسودگی همراه شد. ساعدی از نویسندگانی بود که ریشه‌های عاطفی و آفرینش ادبی‌شان عمیقاً در زندگی مردم سرزمینشان تنیده شده بود. دوری از آن جهان، زخمی بود که گذشت زمان نتوانست التیامش بخشد.

در دوم آذر ۱۳۶۴، غلامحسین ساعدی در پاریس، پیش از رسیدن به پنجاه‌سالگی، درگذشت و در گورستان پرلاشز، در نزدیکی آرامگاه صادق هدایت، به خاک سپرده شد.

مرگ زودهنگام او تنها پایان زندگی یک نویسنده نبود؛ محروم شدن ادبیات ایران از آفرینش‌های احتمالی هنرمندی بود که هنوز ظرفیت‌های فراوانی برای نوشتن و تجربه کردن داشت.

امروز، در شرایطی که نویسندگان، شاعران، مترجمان و روزنامه‌نگاران در ایران همچنان با سانسور، تهدید، زندان و محدودیت‌های گوناگون روبه‌رو هستند، یادآوری زندگی و آثار غلامحسین ساعدی، تنها ادای احترام به یک چهرهٔ برجستهٔ ادبی نیست؛ یادآوری مسئولیتی تاریخی در دفاع از آزادی بی‌حصر و استثنای اندیشه و بیان است.

کانون نویسندگان ایران و انجمن قلم ایران (در تبعید)، در چهل‌ویکمین سالگرد درگذشت غلامحسین ساعدی، یاد و نام این نویسندهٔ برجسته و آزادی‌خواه را گرامی می‌دارند و بر ضرورت پاسداری از

استقلال اهل قلم، مبارزه با هرگونه سانسور و دفاع از حق آزادانهٔ اندیشیدن، نوشتن و منتشر کردن تأکید می‌کنند.

ما بر این باوریم که بزرگداشت راستین ساعدی، تنها در ستایش آثار و یادآوری رنج‌های او نیست؛ بلکه در ادامهٔ مبارزه‌ای است که او و هم‌نسلانش برای آزادی قلم آغاز کردند؛ مبارزه‌ای که تا برچیده شدن سانسور و پایان یافتن تعقیب و آزار اهل اندیشه، ضرورتی زنده و تاریخی باقی خواهد ماند.

یاد غلامحسین ساعدی، گوهر مراد، گرامی باد.

زنده باد آزادی اندیشه و بیان، بی‌هیچ حصر و استثنا.

کانون نویسندگان ایران- انجمن قلم ایران، (در تبعید)

آذر ۱۴۰۵ ـ نوامبر ۲۰۲۶

***ثبت ۴۷۰ مورد حمله علیه روزنامه‌نگاران در کلمبیا طی سال ۲۰۲۵**

فدراسیون روزنامه‌نگاران کلمبیا اعلام کرده است که در سال ۲۰۲۵ دست‌کم ۴۷۰ مورد حمله علیه روزنامه‌نگاران در این کشور ثبت شده که شامل ۱۵ مورد آوارگی اجباری و هفت مورد تبعید اجباری بوده است.

بر اساس آمار فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران، در سال ۲۰۲۶ نیز دست‌کم دو روزنامه‌نگار در ارتباط با فعالیت حرفه‌ای خود در کلمبیا کشته شده‌اند. شمار روزنامه‌نگاران کشته‌شده در سال ۲۰۲۵ نیز دو نفر اعلام شده است.

در گزارش منتشر شده فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران در ۱۶ نوامبر، اعلام شد که هیئتی از فدراسیون در سفر به کلمبیا با مقام‌های دولتی، نمایندگان اتحادیه اروپا و روزنامه‌نگاران درباره افزایش تهدیدها و ضرورت تقویت سازوکارهای حمایتی گفت‌وگو کرده است.

در جریان این سفر، موضوع گسترش حمایت‌های قانونی به روزنامه‌نگاران آزاد و خبرنگاران محلی که قرارداد رسمی استخدام ندارند، در دیدار با وزیر کار کلمبیا مطرح شد.

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران با تأکید بر افزایش خطرات حرفه‌ای در کلمبیا، خواستار تقویت تدابیر امنیتی و دسترسی همه روزنامه‌نگاران در معرض تهدید به سازوکارهای حفاظتی است.

*** اعتصاب 24 ساعته بیش از 150 هزار کارگر صنایع فلز و برق آلمان، از جمله کارگران BMW، Bosch و Audi، برای افزایش 5 درصدی دستمزد و تضمین امنیت شغلی**

روز جمعه 20 نوامبر،بیش از 150 هزار کارگر صنایع فلز و برق آلمان در پی فراخوان اتحادیه صنعتیIG Metall ، در بیش از 100 واحد صنعتی دست به اعتصاب 24 ساعته زدند. این نخستین اعتصاب‌های هشداردهنده تمام‌روزه در این صنایع طی هشت سال گذشته بود.

کارگران کارخانه‌های BMW در مونیخ و دینگولفینگ، واحدهای Bosch در بامبرگ و نورنبرگ و همچنین کارخانه‌های Audi در این اعتصاب شرکت کردند. در ایالت بایرن به‌تنهایی حدود 70 هزار کارگر در 18 واحد صنعتی کار را متوقف کردند و تولید خودرو در کارخانه‌های یادشده متوقف شد.



اتحادیه IG Metall خواستار افزایش 5 درصدی دستمزدها، تضمین امنیت شغلی و حفظ محل‌های تولید در آلمان و همچنین مشارکت کارگران در سود شرکت‌های برخوردار از وضعیت مالی بهتر است.

کارفرمایان تاکنون پیشنهاد پرداخت یک مبلغ یک‌باره معادل یک درصد دستمزد سالانه در ژوئیه 2027 و افزایش دائمی 1/3 درصدی دستمزدها از ژوئیه 2028 را ارائه کرده‌اند؛ پیشنهادی که اتحادیه آن را ناکافی می‌داند.

این اعتصاب پس از سه دور مذاکره بدون نتیجه برگزار شد و IG Metall اعلام کرده است که در صورت ادامه بن‌بست مذاکرات، اعتصاب‌های تمام‌روزه در هفته آینده نیز ادامه خواهد یافت.

***اعتراض فعالان محیطزیست در نشست پایانی اجلاس COP31 آنتالیا به حذف سوخت‌های فسیلی از پیش‌نویس توافق اقلیمی؛ خروج یک معترض از سالن اجلاس**

روز جمعه 20 نوامبر، همزمان با نشست پایانی کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد (COP31)در آنتالیا، گروهی از فعالان محیطزیست در اعتراض به حذف نام سوخت‌های فسیلی از پیش‌نویس توافق نهایی، دست به اعتراض زدند. شماری از آنان در بیرون سالن نشست عمومی، با چسب زدن بر دهان و در دست داشتن پلاکاردهایی با شعار «شرم‌آور است»، اعتراض خاموش برگزار کردند. در جریان نشست نیز یک معترض با در دست داشتن طنابی قرمز به نشانه هشدار درباره نابودی آینده، از سوی مأموران از سالن خارج شد .



اعتراض‌ها پس از انتشار نسخه دوم پیش‌نویس توافق نهایی شدت گرفت؛ نسخه‌ای که در آن اشاره به گذار از سوخت‌های فسیلی، شامل زغال‌سنگ، نفت و گاز، حذف شده بود. این در حالی است که در اجلاس COP28 در سال 2023، کشورها بر گذار از سوخت‌های فسیلی توافق کرده بودند. فعالان محیطزیست حذف این تعهد را عقب‌گردی جدی در مقابله با بحران اقلیمی می‌دانند .

مذاکرات با حضور نمایندگان نزدیک به 200 کشور، به دلیل اختلاف بر سر سوخت‌های فسیلی و تأمین مالی کشورهای آسیب‌پذیر، از زمان‌بندی رسمی فراتر رفت و به روزهای بعد کشیده شد.

***اعتصاب و راهپیمایی بیش از 40 هزار دانش‌آموز، کارآموز و دانشجو در هشت شهر سوئیس علیه نظامی‌سازی و سیاست ریاضت اقتصادی؛ دفاع از بودجه آموزش، خدمات عمومی و آینده نسل جوان**

روز جمعه 20 نوامبر، بیش از 40 هزار دانش‌آموز، کارآموز و دانشجو در هشت شهر سوئیس، از جمله زوریخ، بازل، برن، لوزان، ژنو، نوشاتل، سنت‌گالن و بلینزونا، در چارچوب اعتصاب سراسری جوانان علیه نظامی‌سازی و سیاست‌های ریاضت اقتصادی دست به اعتصاب و راهپیمایی زدند. به گفته ائتلاف سازمان‌دهنده، جوانان بیش از 65 مرکز آموزشی در این حرکت شرکت داشتند .



شرکت‌کنندگان خواستار توقف برنامه‌های تسلیحاتی و افزایش بودجه نظامی و اختصاص منابع عمومی به آموزش، بهداشت، خدمات اجتماعی، مقابله با بحران اقلیمی و مسکن شدند. از دیگر خواسته‌های آنان می‌توان به هفته کاری 35 ساعته، افزایش تعطیلات کارآموزان و تأمین غذای ارزان در مراکز آموزشی اشاره کرد.

در لوزان، شمار شرکت‌کنندگان طبق برآورد خبرگزاری کیستون 7 تا 8 هزار نفر، پلیس 9 تا 10 هزار نفر و اتحادیه‌ها 25 هزار نفر اعلام شد. در زوریخ نیز حدود 3 هزار نفر در راهپیمایی شرکت کردند. در بخش‌هایی از بازل و لوزان پس از پایان تجمع‌ها درگیری‌هایی با پلیس رخ داد و نیروهای پلیس از گاز اشک‌آور و ماشین آب‌پاش استفاده کردند.

***اعتصاب و تجمع دانش‌آموزان و دانشجویان در هفت شهر بلژیک علیه نظامی‌سازی، افزایش هزینه‌های نظامی و خدمت سربازی؛ دفاع از بودجه آموزش و رفاه اجتماعی**

روز جمعه 20نوامبر، همزمان با فراخوان هماهنگ بین‌المللی جوانان در دانش‌آموزان و دانشجویان بلژیک در هفت شهر این کشور، از جمله بروکسل، آنتورپ، خنت، لیژ و مونس، در اعتراض به نظامی‌سازی جامعه و افزایش هزینه‌های نظامی دست به اعتصاب و تجمع زدند. این حرکت به ابتکار پلاتفرم جوانان «Service for Peace» سازمان‌دهی شد.



شرکت‌کنندگان با مخالفت با خدمت سربازی داوطلبانه و اختصاص میلیاردها یورو به تسلیحات، خواستار آموزش باکیفیت و رایگان، سرمایه‌گذاری در رفاه نسل جوان، گسترش امکانات فرهنگی و تفریحی و به‌رسمیت‌شناختن حق مشارکت جوانان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی شدند.

***ششمین شنبه متوالی اعتراض‌ها در فرانسه؛ راهپیمایی جلیقه‌زردها، اتحادیه‌ها و دانشجویان برای افزایش دستمزد، مسکن ارزان و بهبود خدمات عمومی**

روز شنبه 21 نوامبر، همزمان با هشتمین سالگرد آغاز جنبش جلیقه‌زردها، هزاران نفر در شهرهای مختلف فرانسه، از جمله پاریس، مارسی و لیون، در ششمین شنبه متوالی اعتراض‌ها علیه گرانی و نابرابری اجتماعی به خیابان آمدند.



در پاریس، راهپیمایی از میدان جمهوری به سوی میدان ملت برگزار شد و جلیقه‌زردها، اتحادیه‌ها، گروه‌های جوانان و دانشجویان در آن شرکت داشتند. معترضان خواستار افزایش دستمزدها، مسکن قابل‌دسترس، مالیات عادلانه‌تر، بهبود شرایط آموزش و تقویت خدمات عمومی شدند.

طبق آمار وزارت کشور فرانسه، 82 و 500 نفر در سراسر کشور در این اعتراض‌ها شرکت کردند؛ درحالی‌که برگزارکنندگان شمار شرکت‌کنندگان را 150 هزار نفر اعلام کردند. در پاریس نیز این ارقام به‌ترتیب 21 هزار و 45 هزار و 500هزار نفر بود.

بخش عمده راهپیمایی‌ها مسالمت‌آمیز بود، هرچند در برخی شهرها درگیری‌های پراکنده پلیس با معترضان گزارش شد. وزارت کشور از بازداشت 144 نفر در سراسر کشور تا ساعت 18 خبر داد.

***تظاهرات هزاران کارگر پرتغال در لیسبون برای افزایش دستمزد و مستمری بازنشستگان، کنترل قیمت‌ها و تأمین مسکن و خدمات عمومی**

روز شنبه 21 نوامبر،هزاران کارگر پرتغال به دعوت کنفدراسیون عمومی کارگران پرتغال-CGTP) (IN، در حالی که بارندگی شدید ادامه داشت، در خیابان‌های مرکزی لیسبون راهپیمایی کردند. شرکت‌کنندگان با اعتراض به افزایش هزینه‌های زندگی، پایین‌بودن دستمزدها و تشدید بحران مسکن، خواستار افزایش دستمزدها و مستمری بازنشستگان، کاهش و کنترل قیمت کالاها و خدمات ضروری و اتخاذ تدابیر فوری برای مهار هزینه‌های مسکن شدند.



معترضان همچنین بر حق دسترسی همگانی به بهداشت، آموزش، تأمین اجتماعی و مسکن تأکید کردند CGTP .با انتقاد از سیاست‌های اقتصادی دولت و کاهش سرمایه‌گذاری در خدمات عمومی، خواستار تغییر مسیر سیاست‌های اقتصادی کشور و مقابله با گسترش قراردادهای موقت، ناامنی شغلی و تضعیف قراردادهای جمعی کار شد.

این کنفدراسیون شمار شرکت‌کنندگان را چندین هزار نفر اعلام کرد؛ پلیس آمار مستقلی از جمعیت ارائه نکرد. راهپیمایی از میدان سالدانیا آغاز شد و به میدان رستورادورش رسید.

***تظاهرات چند هزار نفره در بارسلون برای افزایش بودجه آموزش عمومی، بهبود شرایط معلمان و تأمین مسکن قابل‌دسترس**

روز شنبه 21 نوامبر،حدود 5 هزار نفر از معلمان، دانش‌آموزان، دانشجویان، خانواده‌ها و فعالان جنبش مسکن، در بارسلون تظاهرات کردند. این راهپیمایی به ابتکار اتحادیه‌های آموزشیUSTEC ، CGTو Intersindical و با مشارکت تشکل‌های دانشجویی و اتحادیه مستأجران برگزار شد.



شرکت‌کنندگان با تأکید بر ضرورت تقویت آموزش عمومی، خواستار اختصاص دست‌کم 6 درصد تولید ناخالص داخلی به آموزش، افزایش دستمزد معلمان، کاهش تعداد دانش‌آموزان در کلاس‌ها، تأمین نیروی انسانی و امکانات بیشتر برای مدارس و بهبود شرایط آموزش فراگیر شدند. تأمین مسکن قابل‌دسترس و تقویت خدمات عمومی نیز از دیگر محورهای این اعتراض بود.

راهپیمایی از میدان اورکینائونا آغاز شد و پس از عبور از خیابان ویا لایتانا در میدان سانت خائومه پایان یافت. شمار شرکت‌کنندگان طبق اعلام پلیس شهری 3 هزار نفر و بنا بر برآورد اتحادیه USTEC حدود 5 هزار نفر بود.

این حرکت در چارچوب روزهای اعتراض هماهنگ اروپایی با شعار «مردم بر سود مقدم‌اند» برگزار شد و در آستانه اعتصاب آموزشی 26 نوامبر، بر ادامه مبارزه معلمان و اتحادیه‌های آموزشی برای تحقق مطالباتشان تأکید داشت.

***راهپیمایی خانواده‌ها و فعالان اجتماعی در مادرید برای اجرای عدالت درباره مرگ7291سالمند در خانه‌های سالمندان و پایان خصوصی‌سازی مراکز نگهداری**

روز شنبه 21 نوامبر،صدها نفر در مادرید به دعوت جنبش«Marea de Residencias» ، در اعتراض به مرگ 7291 سالمند در مراکز نگهداری سالمندان در جریان موج نخست همه‌گیری کرونا در سال 2020، راهپیمایی کردند.



شرکت‌کنندگان با حرکت از میدان سیبلس به سوی میدان پوئرتا دل سول، خواستار روشن‌شدن حقیقت، اجرای عدالت و جبران خسارت خانواده‌های قربانیان شدند. آنان همچنین خواستار تصویب قانون سراسری برای تضمین حقوق سالمندان، اداره کاملاً عمومی مراکز نگهداری، تأمین نیروی انسانی کافی، بهبود دستمزد و شرایط کاری کارکنان و پایان‌دادن به خصوصی‌سازی این مراکز شدند.

جنبش «Marea de Residencias» با یادآوری سیاست‌ها و پروتکل‌های دولت منطقه‌ای مادرید در دوران همه‌گیری کرونا، خواستار رسیدگی قضایی به مسئولیت‌های مربوط به عدم انتقال شماری از سالمندان بیمار به بیمارستان‌ها شد. اتحادیه مستأجران، فعالان دفاع از خدمات عمومی، بازنشستگان و تشکل‌های اجتماعی نیز از این راهپیمایی حمایت کردند.

شمار شرکت‌کنندگان طبق برآورد برگزارکنندگان 5 هزار نفر بود.

***مرگ ومصدومیت 4 کارگر شهرداری انار در حادثه واژگونی خودرو**

عصر روز جمعه 29 آبان،خودروی حامل کارگران شهرداری انارد‌ر محور انار به شهربابک، واژگون شد ویک کارگر بنام محسن جعفریان در دم جان باخت و 3 کارگر دیگراین شهرداری دراستان کرمان مصدوم و به بیمارستان ولیعصر انار منتقل شدند.

***جان باختن یک کارگربدون بیمه و مصدومیت کودک 13 ساله اش در بندرگزبراثر تصادف**

داریوش قربان‌نیا چپه متولد سال 1369، اهل قوچان حدود 10 سال در استان گلستان و شهرستان بندرگز به عنوان کارگر ساختمانی مشغول به کار بوده است. وی که از قوچان به این منطقه آمده بود، با خانواده خود در ساختمان‌های در حال ساخت به عنوان نگهبان و کارگر، هم کار و هم زندگی می‌کرد .

چهارشنبه شب(27 آبان)،این کارگر که از نظر وضعیت مالی نیز در شرایط سختی قرار داشت، همراه با پسر خود برای تهیه مایحتاج زندگی، با دوچرخه‌ای که فاقد روشنایی بود، در جاده‌ای تاریک در حال حرکت بود که در اثر برخورد خودرویی با آنها ،پسر 13 ساله این کارگر دچار شکستگی کتف، شکستگی سر و مقداری خراشیدگی شده اما جان سالم به در برد اما این کارگر بر اثر شدت جراحات، ۵ صبح روز جمعه 29 آبان بعداز سه روز دست وپنجه نرم کردن با مرگ دربیمارستان جان خود را از دست داد .

این کارگرکه سال‌ها در این منطقه کار می‌کرد، هیچگونه سابقه بیمه‌ای نداشت و حتی تلاش‌ها برای دریافت پروانه مهارت جهت ورود به چرخه رسمی کارگری نیز صورت نگرفته بود و هیچکس پیگیر امور او نبود .

این کارگر جان باخته با 36 سال سن، سرپرست خانواده‌ای شامل یک زن و سه فرزند (یک ساله، 6 ساله و 13 ساله) بوده است. با توجه به اینکه این خانواده در ساختمان‌های در حال ساخت به عنوان نگهبان زندگی می‌کردند، با فوت وی، وضعیت معیشت و سرپناه این خانواده به شدت تهدید می‌شود .

براساس گزارش رسانه ای شده،حتی اگر مبالغ دیه پرداخت شود، آیا مبالغی مانند 2 یا 3 میلیارد تومان در مناطق دورافتاده می‌تواند جایگزین سرپناه و زندگی این خانواده شود؟ این خانواده که با حضور سرپرست خود در سایت‌های ساختمانی زندگی می‌کردند، اکنون با این پرسش مواجه‌اند که پس از فوت سرپرست، آیا کسی این زن و بچه‌ها را به عنوان نگهبان در پروژه‌های ساختمانی می‌پذیرد یا خیر.

akhbarkargari2468@gmail.com